

مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان

** مهندس مژگان خاکپور

تاریخ دریافت مقاله: ۸۲/۱۲/۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۴/۶/۵

چکیده:

مساکن سنتی روستایی در شمال کشور، با ظاهر متفاوت خود اکتباسی ساده از طبیعت و جغرافیای منطقه بوده و پاسخگوی نیازهای اساسی مردمانی است که فعالیتهای اقتصادی و فرهنگ زیستی آنان متفاوت با دیگر نقاط ایران می باشد. در این مقاله سعی شده علاوه بر بررسی شمای کلی مسکن سنتی روستایی گیلان و چگونگی شکل گیری آن، تاثیر عوامل جغرافیا و اقلیم، نوع فعالیتهای معیشتی و فرهنگ عمومی منطقه بر این مساکن، مورد مطالعه قرار گیرد. علل تظاهر معماری ویژه منطقه و توجه به نیازهای رفتاری و سکونتی انسان ساکن در مساکن سنتی از جمله مطالبی است که به آن پرداخته شده است. همچنین، در این نگارش نگاهی کوتاه به شناخت روند توسعه فیزیکی الگوهای معماری بومی در روستاهای استان گیلان دارد.

واژه های کلیدی:

مساکن روستایی، گیلان، معماری برونگرا، الگوی بناهای روستایی.

مقدمه

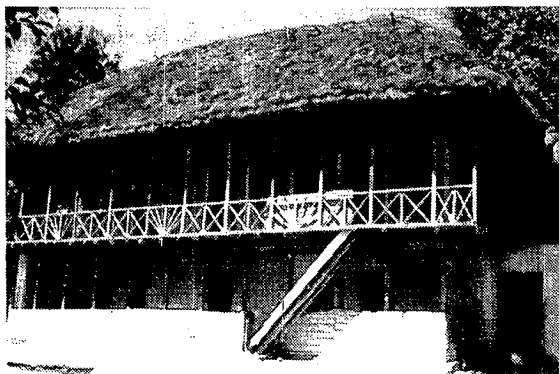
کشور داشته، کتاب معماری برونگرا تالیف دکتر معماریان است (معماریان، ۱۳۷۱) که پس از بررسی ویژگیهای این معماری، نمونه‌هایی از معماری بومی گیلان را معرفی نموده است. همچنین مقالاتی جسته و گریخته توسط محققین گیلانی در نشریات به چشم می‌خورد که شاید یکی از مهمترین این نشریات نشریه شماره ۲۴ مجله معماری و شهرسازی است که اطلاعات آن حاصل قلم محققین ساعی منطقه می‌باشد (دیبا- یقینی، ۱۳۷۲، ص ۶) و (قبادیان، ۱۳۷۲، ص ۱۷).

مقاله حاضر به معرفی مسکن روستائی گیلان با تکیه بر عوامل شکل‌گیری و ویژگیهای موثر بر وجوه تمایز آن، پرداخته است که حاصل مطالعات پژوهشی روستا در دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان می‌باشد (سالهای ۱۳۷۴ الی ۱۳۸۳).

در خصوص معماری بومی گیلان، اطلاعات مکتوب اندکی در دست می‌باشد. یکی از مهمترین آنها مجموعه سه جلدی گیلان، کار گروهی از پژوهشگران به همت آقای ابراهیم اصلاح عربانی (گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۸۰) است. این کتاب که اطلاعات جامعی درباره اقلیم، ویژگیهای جغرافیائی، مردم شناسی و فرهنگ عامه را در بر دارد گریزی هم به مسکن و معماری گیلان و معرفی کلی آن می‌زند. همچنین دیگر نگاشته‌ای که مسکن روستائی و بومی گیلان را تا حدودی معرفی می‌کند، کتاب ارزشمند مسکن و معماری در جامعه روستائی گیلان تالیف پروفیسور برمبرزه (برمبرزه، ۱۳۷۰) می‌باشد. در این کتاب پس از مطالعات مردم شناسی در گیلان، خصیصه‌های بارز معماری روستائی در این منطقه را بررسی کرده و به مسائل و خصوصیات فرهنگی حاکم بر مسکن روستائی پرداخته است. از دیگر مکتوباتی که سعی در معرفی معماری منطقه شمال

شکل کلی مسکن بومی روستاهای گیلان

را میسر می‌سازد. زیرا احساس عدم آسایش در تابستان و به علت رطوبت نسبی زیاد هوا در تمام اوقات شبانه روز است. بنابراین امکان حرکت راحت باد به منظور دفع رطوبت اطراف بدن و محیط انسان مطرح می‌گردد. این نیاز موجب شده تا بناهای مسکونی روستائی دارای لایه‌های شفاف مسقف و با بازشورهای بسیار زیاد در جداره‌های خارجی باشد. به گونه‌ای که گاه دور تا دور بنا را یک لایه فضای زیستی نیمه محصور و بدون جداره یعنی ایوانهای چهارطرفه، احاطه کرده است (تصویر شماره ۱).

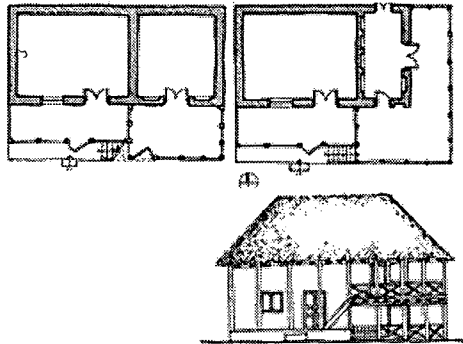


تصویر ۱- وجود فضای نیمه باز در اطراف فضای محصور مرکزی

استان گیلان شامل اراضی جنوب غربی دریای خزر و کوههای تالش و البرز از سه ناحیه جغرافیایی جلگه، کوهپایه و کوهستان تشکیل شده که ناحیه جلگه‌ای شامل جلگه‌های باریک شرقی و شمال غربی و جلگه مرکزی حدود دو سوم از اراضی استان را به خود اختصاص داده‌اند و بیشترین جمعیت استان در این نواحی ساکن می‌باشند. کوههای این استان از دو بخش تشکیل شده که از دره رود آستارا در شمال شروع و تا شرقی‌ترین نقطه استان ادامه دارد. کوههای تالش مانع نفوذ بخار آب به ناحیه آذربایجان شده و هدایت‌کننده بادهای مدیترانه‌ای به جلگه‌های گیلان بوده و کوههای البرز سدی در برابر عبور این بادهای مرطوب به نقاط مرکزی ایران است و گذر این جبهه‌های هوا تنها پس از تخلیه رطوبت و بارش در جلگه‌ها میسر است.

بنابراین در پهنه جغرافیایی گیلان که رطوبت هوا و بارش باران بسیار زیاد است، مسکن روستائیان نه تنها باید جوابگوی نیاز انسان به سرپناه باشد، بلکه باید آسایش اقلیمی را نیز بطور نسبی در بر گیرد. بدین لحاظ بنای مسکونی باید بگونه‌ای ساخته شود که حتی المقدور رطوبت بیش از تحمل انسان را در محیط زیست کاهش دهد تا شرایط دما و رطوبت، در حد آسایش قرار گیرد. لازم به ذکر است، در این منطقه بدلیل اعتدال دمای هوا در بسیاری از اوقات سال، کاهش رطوبت هوا آسایش

اما در کوهپایه ها زمین دارای شیب ملایمی می باشد. بدین سبب برای ساخت بنا علاوه بر تحکیم، تسطیح بستر بنا مورد توجه قرار می گیرد. در بسیاری از نقاط کوهپایه ای این امر با تراز کردن سطح روی پی ها توسط عنصری بنام "نال پایین" یا "چیرنال" صورت می پذیرد. اما در پاره ای از نقاط مسکن در سه نیم طبقه با ارتفاع نهایی حدود پنج متر احداث میگردد. در این شرایط معمولاً پایینترین سطح فضای خدماتی بوده و سطح دوم اتاق زمستان نشین می باشد. فضای تابستانی در مجاورت اتاق زمستانی و روی فضای خدماتی است (تصویر شماره ۴).



تصویر ۴- مسکنی در روستای شیخ نشین شهرستان رضوانشهر.
(ک. واحدی - م. ودادی - م. امیری فرد - بهار ۷۹)

سقف اینگونه سازه ها در یک سطح اجرا می گردد بنابراین اتاق زمستان نشین دارای ارتفاعی زیادتر در حدود یک و نیم طبقه بوده که مناسب برای خشک کردن برنج است. در این صورت برنجهای را همراه با ساقه در دسته های کوچک بنام "درز" از "واشانهای" کاذبی که در بالای اتاق تعبیه شده، آویزان کرده و گرمای ناشی از فعالیت های روزانه مانند پخت و پز موجب خشک شدن برنجهای می شود. این فضا در روزهای معدودی از سال بعنوان "دود اتاق" هم ایفای نقش می کند.

در نقاطی از کوهپایه که عوارض زمین شدیدتر است، می توان از دو سطح جهت تعبیه ورودی های مجزاء دامی و انسانی استفاده کرد. علی الخصوص در کوهپایه هایی که به علت وجود مراتع، دامداری رونق بهتری دارد، فضای زیرین بعنوان فضای دامی و طبقه بالا فضای سکونت افراد خانواده است. البته در برخی نقاط معدود، فضای نگهداری گوسفندان در طبقه بالا قرار دارد که با استفاده از رمپ چوبی هدایت دام به این سطح ممکن می گردد (تصویر شماره ۵).

در نقاط کوهستانی بدلیل بارش کم باران و ریزش برف و نیز شیب زیاد زمین، شمای معماری تا حدودی متفاوت است بگونه ای که ظاهر معماری در مناطق پر ارتفاع شهرستان رودبار، ماسوله و دیلمان کاملاً مغایر با جلگه می باشد. در این مناطق شاهد بناهایی ساخته شده از خشت و سنگ و گل با استقرار پلکانی و با سقف مسطح هستیم. همچنین در نقاط کوهستانی عوارض زمین از مهمترین عوامل تعیین استقرار مکان های سکونت در منطقه است.

فضای ایوان برای انواع رفتارهای سکونتی در اوقات زیادی از سال مورد استفاده قرار می گیرد. لذا مهمترین و پر استفاده ترین فضا در بناهای مسکونی اینگونه فضاها هستند. رفتارهایی مانند استراحت، غذا خوردن، پرداختن به کارهای روزانه و حتی خوابیدن در شب، در بهار و تابستان در این ایوانها صورت می پذیرد. اما این میزان شفافیت فضا در جلگه مرکزی که دارای رطوبت نسبی بالاتری است باز هم جوابگو نبوده و پاسخ نهایی در انفصال از زمین یافت شده است. بگونه ای که مسکن در سطح و در ارتفاع دارای لایه های نیمه محصور با امکان حرکت سهل الحصول باد می باشد (تصویر شماره ۲).



تصویر ۲- مسکن در سطح و در ارتفاع دارای لایه های متخلخل است

البته آسایش در زمستان و امکان ایجاد گرما با حداقل انرژی مصرفی، نیاز به فضایی محصور، محدود و با حداقل سطوح باز شو را توجیه می کند. بنا بر این در قلب لایه های شفاف بنا، قسمت زمستان نشین یعنی اتاقهای مسکن را می بینیم. این فضاها که عموماً روزن هایی محدود درجهبیه جنوبی دارند، با حداقل سطح و گنجایش، جوابگوی فضاهای مورد نیاز در اوقات سرد سال می باشند (تصویر شماره ۳).



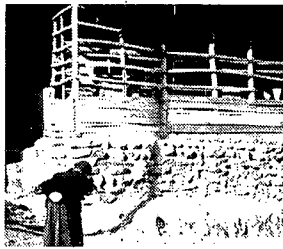
تصویر ۳- فضای زمستان نشینی در لایه دوم نما که توسط فضای نیمه باز ایوان احاطه شده است.

در مناطق جلگه ای گیلان که زمینهای آن حاصل از انباشت رسوبات رودخانه ای و کاملاً مسطح است بناهای مسکونی باید بر روی بستری محکمتر از خاک سست منطقه، و از مصالح مقاوم در برابر رطوبت، بر روی سطح زمین یا با ارتفاعی از آن احداث می گردند. در این مناطق نیاز به تسطیح زمین نبوده و فقط تحکیم بستر و دفع رطوبت خاک مد نظر است.

جانبی مسکن مانند طویله و انبار استفاده می شود.

اما فضاهای زمستان نشین در کوهپایه باید از مصالح سنگین تر با ظرفیت حرارتی زیادتر ساخته شود به علاوه مصالح این قسمت باید مقاومت حرارتی بالاتری داشته باشند. سنگ علاوه بر مقاومت زیاد در مقابل رطوبت هوا و نم زمین، ظرفیت حرارتی زیادتری نسبت به چوب دارد که موجب ذخیره حرارت ناشی از تابش روزانه آفتاب در طول روز و استفاده از آن در شبهای سرد سال می شود.

هر کجا که امکان استفاده از سنگ مسیر باشد، قسمت‌های



زیرین بنا از سنگ ساخته می شود. البته گاه در کوهپایه و ارتفاعات که استحصال سنگ راحت تر است، این عنصر خود را در دیوارها نیز نمایان می سازد (تصویر شماره ۷).

تصویر ۷- کاربرد سنگ در قسمتهای زیرین بنا

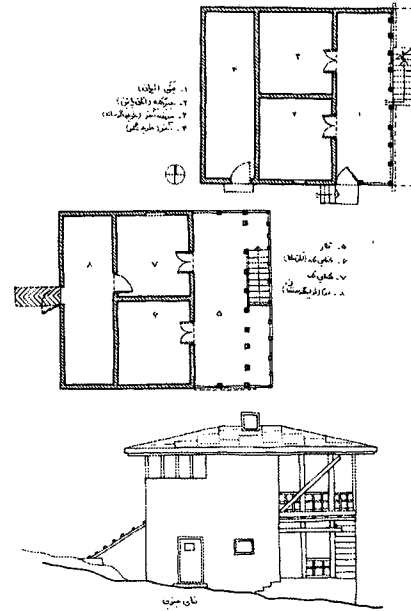
از آنجا که رطوبت نسبی هوا در گیلان بالا است، اختلاف درجه حرارت هوا در شب و روز، زیاد نبوده و این امر موجب شده تا شهبای تابستان نیز در گیلان بسیار گرم باشد. به همین دلیل بکارگیری مصالحی که ظرفیت حرارتی پائین تری دارند در این ایام بسیار سودمند است. بدین لحاظ استفاده از چوب در قسمت‌هایی از مسکن که در بهار و تابستان استفاده می شود امری متداول و معقول است (تصویر شماره ۸).



تصویر ۸- تالار (ایوان تابستان نشین) که تماماً از چوب با تزئینات ویژه ساخته شده است.

الیاف گیاهی با اینکه طول عمر کوتاهی دارند، در بناهای روستایی به وفور یافت می شود. زیرا بسیار فراوان و ارزانند. این الیاف بعلت سبک بودن و نیاز به ترمیم‌های دوره‌ای، بیشتر در سقف بناها مشاهده می شوند به گونه‌ای که انتظار رویت بناهای "گالی پوش" و "کولوش سر خانه" در گیلان برای هر فرد آشنا به این منطقه، امری طبیعی است (تصویر شماره ۹).

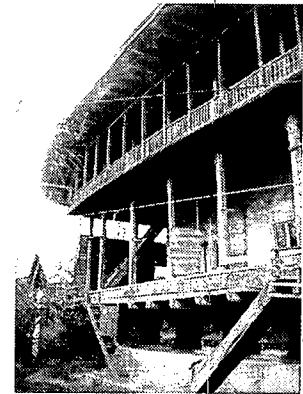
این نکته قابل تامل است که نگهداری بناهایی که الیاف گیاهی در آنها زیاد استفاده شده مشکل بوده و آسیب پذیری بنا در برابر عوامل جوی نظیر باران و تابش آفتاب بسیار زیاد است. به



تصویر ۵- مسکنی در روستای لاسک شهرستان شفت. (۱. مقدم - م. موسوی بهار ۷۹)

مصالح در بناهای روستایی گیلان

از دیگر عواملی که بر مسکن روستایی گیلان تأثیری عمیق گذاشته است، مصالح موجود در منطقه و امکانات ساخت بنا است. در گیلان نیز مانند بیشتر نقاط ایران مسکن روستایی با تکیه بر امکانات موجود منطقه‌ای احداث می گردد. در پهنه جغرافیایی گیلان که ویژگی شاخص آن انبوه گیاهان بدلیل بارش‌های زیاد و طولانی می باشد، بناها از چوب بهره‌آفر برده و قسمت‌های مختلف ساختمان از پی تا سقف از چوب ساخته می شود. در این میان انواع پی‌های شکلی، سکتی، پاکونه، و دیوارهای زگالی، زگمای با نامهای متفاوتی چون دارورجین یا اورجین و غیره یافت می شود (خاکپور، ۱۳۸۳). (تصویر شماره ۶).



تصویر ۶- کاربرد چوب در قسمت‌های مختلف بنا از پی تا سقف

چالگه‌های گیلان که در اثر انباشت رسوبات رودخانه‌ای شکل گرفته، دارای خاک رس بسیار است. در برخی نقاط گیلان طبقه زیرین بنا از خشت ساخته شده که علاوه بر استفاده از ظرفیت حرارتی این گونه مصالح برای فضای زمستان نشین که عموماً طبقه پایین ساختمان است، مرکز ثقل بنا را نیز به زمین نزدیکتر کرده و موجبات ایستایی بهتر بنا را مهیا می سازد. البته استفاده از خشت در مسکن فقط در مناطقی از گیلان که رطوبت کمتری دارد رایج است و در غیر اینصورت خشت فقط در بناهای

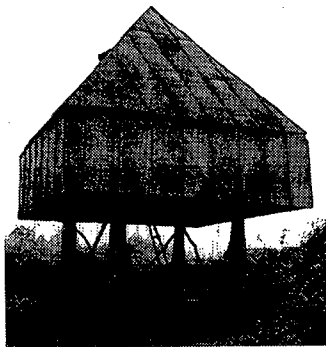


تصویر ۱۰ - عناصر خدمتی واحد مسکونی در کنار بنا و جدا از آن



تصویر ۹ - خانه‌ای با سقف گالی پوش

از آنها در محوطه تابع نظمی خاص می باشد (تصویر شماره ۱۱). به عنوان مثال کندوج که محل نگهداری دسترنج یکساله کشاورز است همیشه مقابل نمای اصلی خانه و در نزدیکی در ورودی قرار می گیرد تا علاوه بر امکان کنترل از ایوان و تالار، مراحل انتقال برنجها براحتی انجام پذیرد و نیز تلمبار کرم ابریشم، در حد فاصل بین بنای مسکونی و توتستان (باغ توت) قرار می گیرد. همچنین طویله که از اجزای آلوده مسکن روستایی است در فضایی دور از دید مستقیم از ورودی و حیاط اصلی بوده و معمولاً در پشت خانه قرار می گیرد. وجود طویله موجب می شود تا عناصر ناپاک سایت مانند توالی در کنار آن شکل پذیرد و به عبارتی حیاط آلوده که محل عبور دامهاست، از محوطه تمیز مجزا گردد.



تصویر ۱۱ - کندوج محل نگهداری برنج

در کوهپایه ها به علت شیب ملایم زمین کشاورزی و برنجکاری جای خود را به باغداری می دهند. در این مناطق چایکاری و دامداری عمده مشغله مردم روستاهاست. از آنجا که محصول چای بلافاصله روانه کارخانجات می شود، این نوع باغداری، غیر از انباری جهت نگهداری زنبیلها و وسایل چایچینی فضایی را به واحد مسکونی تحمیل نمی کند. شایان ذکر است که عموماً باغات در مکانی خارج از محوطه مسکونی است. بدین سبب قرارگیری فضاهای دامی در مسکن مهمترین تاثیر فعالیت اقتصادی خانواده بر مسکن است (تصویر شماره ۵). در مناطق معدودی که کشت توتون نیز رواج دارد، ایجاد "گرمخانه" برای خشک کردن برگها در پارهای از منازل دیده می شود.

این دلیل حتی المقدور سعی شده تا فقط در قسمت‌های خدمتی و بناهایی جانبی مسکن از الیاف و نسوج گیاهی کم دوام استفاده شود و مصالح مقاومتر و پایدارتر در برابر شرایط طبیعی منطقه، برای فضاهایی با اهمیت بیشتر استفاده شود. شایان ذکر است که در ملات های سنتی این منطقه نیز از ضایعات گیاهی (بیشتر پوسته برنج) برای جلوگیری از ترک گلرس استفاده می شود.

فعالیت‌های اقتصادی و مسکن

عامل دیگری که در شکل گیری مسکن در جامعه روستایی گیلان تاثیر گذار است نوع رفتار و فعالیت‌های معیشتی- اقتصادی مردم است. روستائیان گیلانی بنا به وفور آب و وجود زمین‌های حاصلخیز، عموماً کشاورزی بخصوص کشت برنج را پیشه اصلی خود قرار داده اند. در کنار برنجکاری وجود چند دام (گاو و گاو میش) برای هر خانوار جهت رفع احتیاجات خانواده مشاهده می گردد. در جلگه به دلیل رطوبت زیاد و بارش‌های طولانی گوسفند و بز قابل نگهداری نیستند. نوغانداری نیز به عنوان فعالیت جنبی برای بسیاری از خانوارهای روستایی صرفه اقتصادی زیادی به همراه دارد. در کوهپایه‌های گیلان که زمین مناسب شالیکاری کمتر یافت می شود، باغداری علی‌الخصوص باغ چای فعالیت اقتصادی عمده روستائیان است. البته دیگر محصولات زراعی و باغی به‌ندرت فعالیت اصلی افراد یک روستا قرار می گیرد.

شایان ذکر است در حاشیه ساحلی یکی از فعالیت‌های اقتصادی مردان روستا، ماهیگیری است. با تکیه بر گونه گونگی فعالیت‌های اقتصادی و تاکید بر فعالیت معیشتی اصلی مردم منطقه، کشاورزی مخصوصاً کشت برنج نقش بسزایی در رفتارهای انسان در مسکن دارد. چرا که هر فعالیتی نیاز به فضایی در عرصه و اعیان دارد و این نیازها غالباً با تعبیه عناصری در محوطه مسکونی تامین می گردد (تصویر شماره ۱۰).

عناصری مانند تلمبار، کندوج (انبار برنج) یا کروج و طویله از اجزای تقریباً ثابت محوطه های مسکونی هستند که بسته به موقعیت خاص جغرافیایی منطقه، قرار گیری و چیدمان هر کدام

محصولات قابل عرضه به بازار، در این مکان انجام پذیرفته و نیز فضایی برای انبار کردن مواد غذایی در زمستان است. "سندوق" که برنج مورد مصرف افراد خانواده در آن جای دارد عموماً در این تالارها قرار دارد.

تأثیر فرهنگ در مسکن

عامل مهم دیگری که در مسکن روستایی گیلان نقش ارزنده ای ایفا می کند، اعتقادات و ملاحظات فرهنگی مردم گیلان است. گیلان با ویژگیهای طبیعی خود از دیر باز تظاهرات فرهنگی متمایزی با سایر نقاط ایران داشته است، فرهنگ دوشادوشی کار زنان و مردان در مزارع و باغات لزوم وجود محصوریت برای فضاهای مسکونی را منتفی می نماید. به علاوه اوقات زیاد کار زنان در مزارع و فضاهای خارج از منزل مسکونی، حجابها و محریمیت های فضای زیست را به حداقل رسانده و آنرا بگونه ای متفاوت عرضه می کند. از طرفی نیاز به نظارت دائم محوطه مسکونی و حفظ اموال، ارتباط بصری تنگاتنگی بین اصلی ترین فضاهای مسکن و محوطه اطراف بوجود می آورد. همچنین به لحاظ نوع زندگی و فعالیت های معشیتی ارتباط محوطه مسکونی با خارج از آن (مزارع، معابر و بناهای همسایه) بسیار وسیع می باشد. همه این نیازها درکنار نوع پوشش و حجاب زنان گیلانی "معماری برون گرا" را بسیار موجه می سازد. بنا براین فضاهای شفاف زیستی که در پاسخ گویی به نیازهای آسایش اقلیمی، شکل گرفته است در تضاد با نیازهای مذهبی و فرهنگی نمی باشد (تصویر شماره ۱۲).



تصویر ۱۲ - فضای شفاف تالار برای اکثر فعالیت های روزمره در اوقات گرم سال.

گیلان که بواسطه شرایط خواص جغرافیایی هیچگاه مامنی برای بیگانگان نبوده و در پناه البرز از تهاجم و استیلای غارتگران بدور بوده، برای مردمان این خطه آرامش و امنیت را به همراه داشته است. مردم گیلان که هر زمان موهبت طبیعی را به غایت احساس می کنند، نگران فردا های خود نبوده، نیازی به اندوخته نیافته و تنها قوت یکساله خود را انباشت می کنند. در پس این امنیت طولانی که دستاورد آن همگونی درون و برون

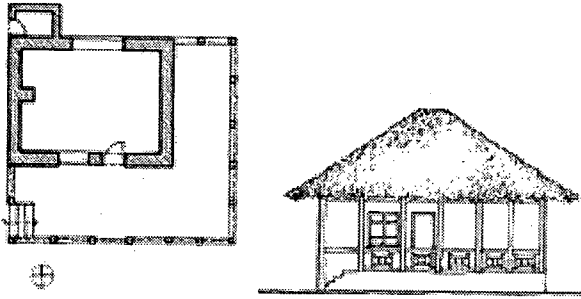
میزان مشارکت افراد خانواده در فعالیت های تولیدی ضامن میزان اهمیت به فضای معماری در بنای مسکونی است. در جامعه ای که بخش عظیمی از فعالیت های اقتصادی در خارج از محوطه مسکونی بر عهده زنان جامعه است نیاز به فضاهای مخصوص برای این قشر، محدودیت زمانی پیدا می کند. بنابراین لزوم پرداختن به جزئیات معماری، به اوقاتی از سال که زمان فراغت برای افراد ساکن در منزل بیشتر است، محدود می شود. به این سبب توجه و پرداخت به جزئیات در فضاهای مورد نیاز برای ایام بهار و تابستان به حداقل رسیده و غیر از بناهای اربابی و خانه های افراد متمول تزئینات این بخش از بناها بسیار اندک است. این امر موجب شده تا خانه های روستاهای گیلان ساده تر بوده و تفاوت های طبقاتی در آن بچشم نمی خورد. بگونه ای که در یک منطقه مسکونی عموم خانه ها هم شکل بوده و تفاوت براساس ابعاد کاربردی مسکن می باشد.

همچنین احداث فضایی در منزل که زمانی محدود استفاده شود موجه نیست. به همین دلیل درجوامع روستایی سعی بر استفاده چند گونه از فضاهاست. یعنی عناصر و اجزاء معماری در اوقات مختلف سال کاربری های متفاوتی پیدا می کنند. به عنوان مثال فضای تلمبار علاوه بر عملکرد پرورش نوغان استفاده های دیگری در ایام سال دارد همانند نگهداری موقت دام و مکانی برای جدا سازی برنج از شلتوک در قسمت زیرین تلمبار. همچنین ایجاد فضایی فقط برای انجام برخی فعالیت های دستی خانگی مانند باز کردن پشم و چادر شب بافی که در زمان محدودی انجام می پذیرد، معقول نبوده و اینگونه کارها به فضای ایوان انتقال می یابد (تصویر شماره ۱۲).



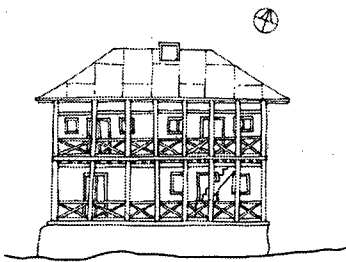
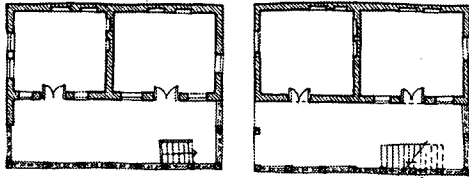
تصویر ۱۲ - قرارگیری دستگاه پاچال (چادر شب بافی) بر روی ایوان

ایوانها علاوه بر ایجاد ارتباط میان اجزای مسکن (اتاقها)، خود در اوقاتی دارای کارکرد اقتصادی بوده و گاه به عنوان فضای اصلی زیست و پاره ای موارد به عنوان انبار و فضای خدماتی مورد استفاده قرار می گیرند. "تالار شرقی" (ایوان شرقی طبقه دوم که حرکت باد در آن براحتی انجام می پذیرد) علاوه بر امکان استراحت در تابستان کارکرد اقتصادی نیز داشته و تبدیل برخی محصولات باغی مانند گردو و فندق، به



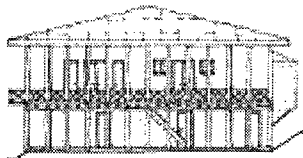
تصویر ۱۵ - مسکنی در روستای گیل چالان شهرستان رضوانشهر.
(ش. سارانی - ۵، تندرو پاییز ۷۸)

خود، در اکثر روستاها ایوان شرقی عمود بر ایوان جنوبی شکل می‌گیرد (تصویر شماره ۱۵).
در صورت تمکن مالی صاحبان خانه تک‌اتاق به انضمام ایوان مقابل آن، تبدیل به دو اتاق و ایوان سرتاسری مقابل آنها می‌شود (تصویر شماره ۱۶).



تصویر ۱۶ - مسکنی در روستای لات لیل شهرستان لنگرود.
(ش. سارانی - ۵، تندرو پاییز ۷۸)

پس از ایوان شرقی، ایوان غربی نیز عمود بر ایوان اصلی به وجود می‌آید. لازم به توجه است که تمامی ظوابط جهت یابی، متأثر از خصوصیات اقلیمی و استفاده مناسب از بادهای مطلوب دافع رطوبت و اجتناب از بادهای مضر زمستانی، باد گرم مخصوص منطقه و کج باران است (تصویر شماره ۱۷).

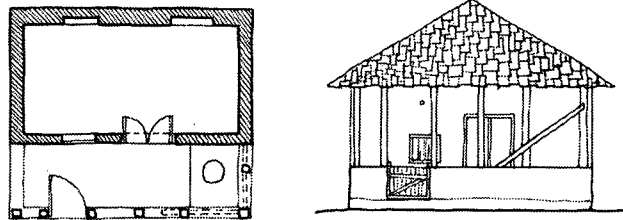


تصویر ۱۷ - مسکنی در روستای شهران شهرستان رودبار.
(ع. عظیمی آسیابار ص. قوجق نژاد بهار ۸۲)

خانه می‌باشد، تنها دل نگرانی مردم روستاها حفظ احشام از دستبرد دزدان منطقه ای بوده است. بدین سبب قرارگیری فضای دامی در مکانی دور از ورودی و با فاصله اندک از مسکن راهکاریست که پاسخگوی نیاز به حفظ اموال را در بر دارد. البته برای حفاظت شالی از گزند حیوانات وحشی که مهمترین آن گراز است، ساده ترین راه حل که در نقاط زیادی از جلگه مشاهده می‌شود، قرارگیری زمین مزروعی در کنار فضای مسکونی است. در مزارعی که دور از واحد مسکونی و در معرض آسیب این حیوان قرار می‌گیرد، عنصری بنام "کتام" در میان برنجزار قرار خواهد گرفت. کتام که بنایی کوچک، ساده، بدون دیوار، با سقف چهار شیبه و ارتفاع گرفته از سطح زمین است، کارکردهای متفاوتی از جمله استراحت در روزهای گرم تابستان، انبار کردن موقت برنج، مکانی برای بازی کودکان، تولید محصولات خانگی مانند سفره و کلاه حصیری و فراوری برخی محصولات را دارد.

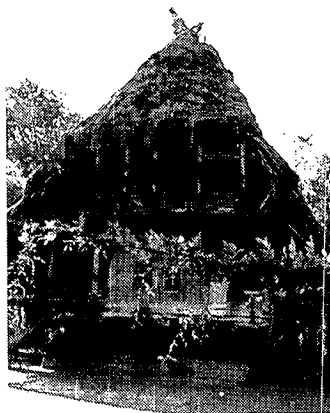
روند شکل گیری بنا و مراحل گسترش آن

در خانه های روستایی گیلان مانند سایر نقاط لزوم فضایی کاملاً "محصور، محدود و با قابلیت کنترل دما در ایام سرد سال الزامی است. بدین لحاظ وجود اتاق یا اتاق‌هایی با این خصوصیات در ساده ترین خانه ها امری طبیعی است. بنابراین ابتدایی ترین شکل مسکن در گیلان، همانند دیگر روستاهای ایران یک سلول تک اتاقی به مساحت تقریبی ۱۰ الی ۱۲ متر می‌باشد که عموماً در و پنجره های آن روبه جبهه جنوب باز می‌شود. اما در توسعه این واحد حداقل، وجود فضایی که در ایام معتدل سال قابلیت انجام فعالیتهای روزانه را داشته باشد، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. بدینگونه، ایوان جنوبی شکل می‌گیرد. ساده ترین نوع بناها در اکثر روستاهای گیلان با این الگو می‌باشند (تصویر شماره ۱۴).



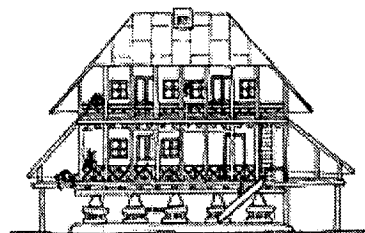
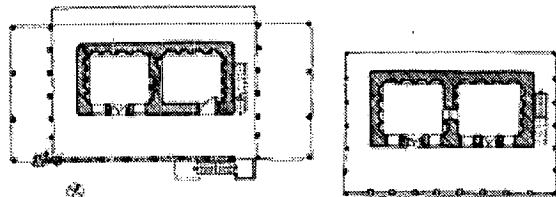
تصویر ۱۴ - مسکنی در روستای شیر آباد شهرستان طالش.
(ب. شهیدی - م. راجی بهار ۷۸)

در مرحله گسترش این فرم ساده، ایوان که در ۹ ماه از سال مناسب انجام کارهای روزانه است، توسعه بیشتری پیدا می‌کند. بنا بر این بسته به موقعیت استقرار روستا در بستر جغرافیایی



تصویر ۲۰- بنای مسکونی در شرق گیلان حوالی لاهیجان.

اول گسترش آن (دو اتاق و ایوان سرتاسری مقابل آن) در توسعه بصورت تکرار در ارتفاع گسترش می یابد (تصویر شماره ۲۰). هر آنچه که در طبقه اول وجود دارد عیناً در طبقه دوم و گاه در سومین طبقه ساخته میشود. منتهی ایوان طبقه اول با گسترش عرضی خود بصورت کنسول تبدیل به تالار شده و فضای مفرحی در بهار و تابستان می باشد (تصویر شماره ۲۱).



تصویر ۲۱- مسکنی در روستای گیلده شهرستان آستانه. (ه. راستگوی حق - ن. مظهرسرمدی پاییز ۸۱)

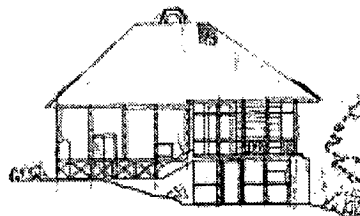
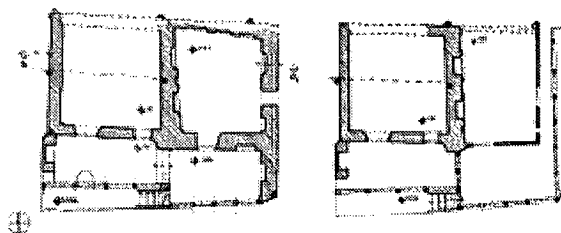
در این مناطق در ابتدا ساخت بناها براساس نیاز افراد خانواده و وضعیت شغلی و اجتماعی صاحب خانه با الگوی تک اتاق و یا دو اتاق در هر طبقه ساخته می شود که این امر معیاری است برای پی کنی و تعیین ابعاد مسکن. با نگاهی به الگوهای مسکن روستایی گیلان به سهولت میتوان دریافت که کل بنا رو به بیرون دارد و هر آنچه که در محیط اطراف است، از داخل خصوصی ترین فضاهای مسکن مورد رویت قرار میگیرد. بدین سان ارتباط تنگاتنگی بین برون و درون واحد مسکونی برقرار می شود.

در جلگه غربی گیلان روند رشد فیزیکی بنا از یک اتاق به دو اتاق همراه با افزایش ارتفاع به اندازه نیم طبقه است. بدین صورت که اتاق تابستانی که به "تالار اتاق" معروف است، روی طبقه همکف با کاربری عمومی طویله قرار می گیرد (تصویر شماره ۱۸).



تصویر ۱۸- مسکن در جلگه غربی گیلان حوالی رشت

تالار اتاق در ایام معتدل و گرم سال فضای مناسب زندگی و پذیرایی از مهمان است و به لحاظ اهمیت آن از ظاهر مناسبتری برخوردار است. اتاق دیگر که روی کرسی قرار دارد و نیم طبقه از تالار اتاق پایینتر است اتاق اصلی زیست افراد خانواده بوده و در اوقات مختلف سال علی الخصوص زمستان نقش ایفا می کند. این اتاق که معمولاً ارتفاع بیشتری دارد به "دو اتاق" معروف است که قبلاً به آن اشاره شده است و کار خشک کردن برنجها بصورت سنتی در این اتاق انجام می پذیرفته است (تصویر شماره ۱۹).



تصویر ۱۹- مسکنی در روستای سرک شهرستان رضوانشهر. (م. کاظمی پاییز ۸۱)

اما روند گسترش بنای مسکونی در شرق و جلگه مرکزی گیلان قدری متفاوت است. بدین صورت که الگوی واحد سکونتی که قبلاً ذکر شد (یک اتاق و ایوان جلوی آن) و مرحله

نتیجه گیری

مسکن در پاسخگویی به نیازهای مذهبی و باورهای مردم در پاره‌های موارد بصورتی ویژه با عنوان معماری برون گرا جلوه‌گری می‌کند (تصویر شماره ۲۲).

تکیه بر مصالح منطقه ای و امکانات ساخت و ساز در گیلان عامل دیگری است که خود منشعب از ویژگیهای جغرافیایی گیلان بوده و از سویی ظاهری

متفاوت به مسکن در این خطه میدهد. در نقاط مختلف گیلان ترکیب این عوامل با هم موجب گونه‌گونگی مسکن شده که هرچند شمای کلی بناها دارای تشابهاتی فراوان است، اما نقاط افتراق آنها نیز بسیار زیاد است. لذا بررسی آنها و دسته بندی پراکندگی تنوع مسکن روستایی خود مطلبی مجزا خواهد بود که محققین علاقه مند را بسوی خود فرا می‌خواند.



تصویر ۲۲- بنای مسکونی ادغام شده با محیط طبیعی اطراف.

مسکن در روستاهای گیلان تحت تاثیر عوامل چند قرار دارد که این عوامل در کنارهم تنها در قسمت شمالی البرز مشاهده می‌شود، وجود رطوبت زیاد هوا و بارش های زیاد منطقه موجب می‌شود که برای تهویه ساختمان، بناها فاصله زیادی از یکدیگر داشته باشند و اجزاء محوطه در

عرصه واحد مسکونی پراکنده گردد. همین عامل یعنی رطوبت زیاد و میزان بارش منطقه انواع خاصی از فعالیتهای اقتصادی را میسر میسازد که به منظور جوابگویی به نیاز فضایی این فعالیتهای، چیدمان عناصر سایت تابع نظم و ویژه گردد. اینگونه فعالیتهای اقتصادی که مشارکت همه افراد خانواده را می‌طلبد موجب بروز ظواهر فرهنگی متفاوت با دیگر نقاط ایران می‌شود که البته این اختلاف فقط در ظاهر زندگی بروز می‌کند. بنا براین

مراجع

- برومبرژه، کریستیان (۱۳۷۰)، "مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان"، علاالدین گوشه گیر، (چاپ اول) موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، دیبا، داراب و شهریار یقینی (۱۳۷۲)، "تحلیل و بررسی معماری بومی گیلان"، نشریه معماری و شهرسازی، شماره ۲۴ (ویژه گیلان)، ص ۶ الی ۱۶.
- حسین زاده و افشاری نژاد و خاکباریک (۱۳۸۳)، "پروژه روستای بند بن"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان، خاکپور، مژگان (۱۳۸۲)، "ساخت خانه های شکلی در گیلان"، مقاله پذیرفته شده در فصلنامه معماری و شهرسازی.
- راستگوی حقی و مظهر سردمدی، "پروژه روستای گیلده"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.
- راجی و شهیدی، "پروژه روستای شیر آباد"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.
- رخش بهار و یادگاری، "پروژه روستای گیل چالان"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.
- رمضان نژاد و املشی، "پروژه روستای نیاکو"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.
- سارانی و تندرو، "پروژه روستای لات لیل"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.
- عظیمی آسیابرو و قوجق نژاد، "پروژه روستای شهران"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.

قافله باشی و آهنی و میر مرادی، "پروژه روستای بنه کنار، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان. قبادیان، وحید (۱۳۷۲)، "تطبیق مسکن با اقلیم"، نشریه معماری و شهرسازی، شماره ۲۴ (ویژه گیلان)، ص ۱۷ الی ۲۱. کاظمی و مهدوی، "پروژه روستای آسیابر"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان. کامیاب و شکوهی، "پروژه روستای دارسرا"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان. گروه پژوهشگران ایران به سرپرستی ابراهیم اصلاح عربانی (زمستان ۱۳۸۰)، "کتاب گیلان (سه جلد)"، چاپ دوم، گروه پژوهشگران ایران. معاریان، غلامحسین (تیر ۱۳۷۱)، "آشنایی با معماری مسکونی ایرانی (گونه شناسی برونگرا)"، دانشگاه علم و صنعت ایران. مقدم و موسوی، "پروژه روستای لاسک"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان. واحدی و ودادی و امیری فرد، "پروژه روستای شیخ نشین"، به راهنمایی مژگان خاکپور، دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان.